

معنی ابیات ← در امواج سند

بیت ۱: به مغرب سینه‌مالان، قرص خورشید نهران می‌گشت پشت کوهساران

تشخیص و استعاره ← سینه‌مالان برای خورشید به کار رفته تشخیص است (و می‌دانیم هر تشخیصی استعاره است).
تشبیه ← قرص خورشید (خورشید) (مشبه) به قرصی (مشبه‌به) تشبیه شده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است.
کنایه ← سینه‌مالان (کنایه از آرام آرام)
واج آرایی ← تکرار واج «ش»



بیت ۲: فرومی‌ریخت گردی زعفران‌رنگ به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

استعاره ← گرد زعفران رنگ (استعاره از پرتوهای زرد رنگ خورشید)
تشبیه ← زعفران رنگ (همچون رنگ زعفران)
تکرار ← نیزه



کنایه ← فرو می‌ریخت گردی زعفران رنگ (علاوه بر مفهوم ظاهری غروب آفتاب، کنایه از ایجاد حس یأس و ناامیدی)

بیت ۳: نهران می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی

تضاد ← روز و شب / روشن و سیاهی
استعاره ← دامن شب (شب را به انسانی تشبیه کرده است که یکی از اجزای آن که دامن است در مضاف آمده است؛ این ترکیب اضافه استعاری است)
تشخیص ← دامن شب (برای شب دامن قائل شده است)



ایهام تناسب ← روی (۱- به معنی صورت ۲- به معنای متضاد «زیر» که این‌جا قابل قبول نیست با «زیر» تناسب دارد).
کنایه ← نهران شدن روی روشن روز (علاوه بر مفهوم معمولی کنایه از به پایان رسیدن و زوال قدرت خوارزمشاه)

بیت ۴: در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی

کنایه ← فروغ خرگه خوارزمشاهی پنهان می‌گشت (کنایه از از بین رفتن قدرت و عظمت خوارزمشاهیان)
تضاد ← تاریک و فروغ (این تضاد قوی نیست چرا که نوع کلمات یکسان نیست، تاریک صفت است ولی فروغ اسم است)



بیت ۵: اگر یک لحظه امشب دیر جنید سپیده‌دم جهان در خون نشیند

کنایه ← در خون نشستن (کنایه از نابودی و کشت و کشتار بسیار)
تضاد ← امشب و سپیده‌دم
اغراق ← جهان در خون نشیند (اغراق در شدت ویرانی و قتل)
مجاز ← یک لحظه (مجاز از مدت کوتاه)



بیت ۶: به آتش‌های ترک و خون تازیک ز رود سند تا جیحون نشیند

اغراق ← از رود سند تا جیحون در خون نشیند (اغراق در شدت ویرانی و کشتار)
تضاد ← ترک و تازیک



استعاره ← آتش (استعاره از کار دشمنانه، حمله، جنگ و ستم)
مراعات نظیر (تناسب) ← سند و جیحون

◇ بیت ۷: به خوناب شفق در دامن شام به خون آلوده ایران کهن دید

استعاره و تشخیص ← دامن شب (برای شب دامن قائل شده است که در حقیقت خصوصیت انسان است؛ این ترکیب اضافه استعاری است)

کنایه ← ایران را خون آلوده دید (کنایه از در حال نابودی بودن ایران)



تشبیه ← خوناب شفق (شفق (مشبه) را به خوناب (مشبه‌به) همانند کرده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

◇ بیت ۸: در آن دریای خون، در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید

تشبیه ← دریای خون (خون را از نظر زیادی به دریا تشبیه کرده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است) / قرص خورشید (خورشید را از نظر شکل به قرصی تشبیه کرده است)

مراعات نظیر (تناسب) ← خورشید و غروب و آفتاب

اغراق ← دریای خون (در زیادی خون اغراق شده است)

کنایه ← غروب آفتاب خویشتن دید (کنایه از نابودی و از بین رفتن و از دست دادن قدرت)



◇ بیت ۹: چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده‌تر شد

مجاز ← دم (مجاز از لحظه کوتاه)

کنایه ← تر شدن مژگان (کنایه از گریستن)

مراعات نظیر (تناسب) ← مژگان و دیده

اغراق ← خون دیده (اشک خون آلود اغراق است)



◇ بیت ۱۰: چو آتش در سپاه دشمن افتاد ز آتش هم کمی سوزنده‌تر بود

تشبیه ← چو آتش (پادشاه (مشبه) به آتش (مشبه‌به) مانند شده است از جنبه حرکت و کشنده و تند و تیز)

اغراق ← از آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

تکرار ← آتش

کنایه ← در سپاه دشمن افتاد (کنایه از حمله کردن)



◇ بیت ۱۱: در آن باران تیر و برق پولاد میان شام رستاخیز می‌گشت

تشبیه ← باران تیر (تیر را از نظر زیادی به باران تشبیه کرده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

اغراق ← باران تیر (در شدت و زیادی تیر اغراق شده است)

مجاز ← پولاد (مجاز از سلاح‌های جنگی مثل شمشیر و نیزه و سپر و ...)

کنایه ← میان شام رستاخیز می‌گشت (کنایه از احساس مرگ و روز محشر داشت)



◇ بیت ۱۲: در آن دریای خون، در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت

تشبیه ← دریای خون (اضافه تشبیهی است؛ خون را به دریایی تشبیه کرده است)

اغراق ← دریای خون (در میزان خون، اغراق شده است)

کنایه ← به دنبال سر چنگیز می‌گشت (کنایه از قصد کشتن چنگیز را داشت)

استعاره ← دریای خون (استعاره از میدان نبرد)



◇ بیت ۱۳: بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد

کنایه ← عافیت سوز (کنایه از کشنده)

واج آرایی ← تکرار واج «ـِ» (مصوت کسره) (این واج آرایی ضعیف است)



♦ بیت ۱۴: ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

استعاره ← برگ (استعاره از سربازان دشمن)
کنایه ← برگ از شاخه می‌ریخت (کنایه از کشته‌شدن سربازان دشمن) / دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد (کنایه از سربازان جدید
جای کشته‌ها را می‌گرفتند)
اغراق ← کل بیت (اغراق در زیادی سربازان مغول)
مراعات نظیر (تناسب) ← برگ و شاخه می‌شکفت
تکرار ← برگ
تضاد ← می‌ریخت و برگ می‌کرد

آرایه

♦ بیت ۱۵: میان موج می‌رقصید در آب / به رقص مرگ، اخترهای انبوه

تشخیص و استعاره ← اخترهای انبوه می‌رقصید (می‌دانیم که هر تشخیصی استعاره است)
تشبیه ← رقص مرگ (مرگ را به رقص تشبیه کرده است؛ این ترکیب، اضافه تشبیهی است؛ البته بهتر است این ترکیب را برعکس
معنا کرد و رقص را همچون مرگ دانست)
اشتقاق ← می‌رقصید و رقص (از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)

آرایه

♦ بیت ۱۶: به رود سند می‌غلتید بر هم / ز امواج گران، کوه از پی کوه

تکرار ← کوه
استعاره ← کوه (استعاره از موج‌های بلند سند) / غلتیدن کوه (غلتیدن که خصوصیت چیزهای دیگر است به کوه نسبت داده شده؛ یکی
از انواع استعاره آن است که خصوصیت چیزی را به چیز دیگر نسبت دهیم)
اغراق ← ارتفاع موج‌ها که به اندازه کوه در نظر گرفته شده

آرایه

♦ بیت ۱۷: خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود / دل شب می‌دریید و پیش می‌رفت

استعاره ← دل شب (شب را به انسانی تشبیه کرده که یکی از اجزا و خصوصیات آن را (دل) به عنوان مضاف آورده و اضافه استعاری
ایجاد کرده است)
تشخیص ← دل شب (برای شب دل قائل شده)
کنایه ← دل شب می‌دریید (کنایه از حرکت در میان سیاهی شب)
تنسیق الصفات ← خروشان، ژرف، بی‌پهنا کف‌آلود (آوردن صفات پی‌درپی را تنسیق الصفات گویند؛ این آرایه برای رشته‌های ریاضی
و تجربی نیست!)

آرایه

♦ بیت ۱۸: از این سدّ روان در دیده شاه / ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

استعاره ← سدّ روان (استعاره از رود سند که همچون سدّی جلوی سپاه بود) / نیش (استعاره از درد و رنج)
پارادوکس ← سدّ روان (سدّی که در حرکت است متناقض‌نماست چرا که در حرکت بودن و سدّ بودن ظاهراً باهم جمع‌پذیر نیستند)
کنایه ← نیش در دیده رفتن (کنایه از دچار رنج و ناراحتی و آسیب شدن)

آرایه

♦ بیت ۱۹: ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید

کنایه ← بنای زندگی بر آب می‌دید (کنایه از ناپایداری و سستی زندگی و در حال نابودی بودن آن)

آرایه

♦ بیت ۲۰: در آن سیماب‌گون امواج لـرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید

تشبیه ← سیماب‌گون امواج (موج‌ها (مشبه) را به جیوه (مشبه‌به) تشبیه کرده است)
کنایه ← خیال تازه‌ای در خواب می‌دید (کنایه از فکر تازه‌ای در سر داشتن)
واج آرایی ← (نغمه حروف) ← تکرار مصوّت «ا»

آرایه

◇ بیت ۲۱: شبی آمد که می‌باید فدا کرد به راه مملکت، فرزند و زن را

مراعات نظیر (تناسب) ← فرزند و زن

مجاز ← شب (مجاز از زمان)



◇ بیت ۲۲: به پیش دشمنان استاد و جنگید ره‌اند از بند اهریمن وطن را

استعاره ← اهریمن (استعاره از دشمن)



◇ بیت ۲۳: شبی را تا شبی بالشکری خرد ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند

تکرار ← شب / سر

کنایه ← ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند (کنایه از کشتن دشمنان)

مراعات نظیر ← لشکر و خود (کلاهخود)



◇ بیت ۲۴: چو لشگر گرد بر گردش گرفتند چو کشتی، بادپا در رود افکند

تشبیه ← چو کشتی، بادپا در رود افکند (اسب را به کشتی تشبیه کرده است)

کنایه ← لشکر گرد بر گردش گرفتند (کنایه از محاصره شدن)

جناس همسان (تام) ← چو (وقتی) و چو (مثل و مانند) (این جناس چندان قوی نیست چرا که دو طرف جناس حرف هستند)

واج آرایی ← تکرار واج «گ» در مصراع اول



◇ بیت ۲۵: چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار از آن دریای بی‌پایاب، آسان

تضاد ← دشوار و آسان

اغراق ← دریای بی‌پایاب (دریایی که ته ندارد)

تکرار ← آن



◇ بیت ۲۶: به فرزندان و یاران گفت چنگیز که گر فرزند باید، باید این سان

تکرار ← فرزند / باید



◇ بیت ۲۷: بلی، آنان که از این پیش بودند چنین بستند راه ترک و تازی

مراعات نظیر (تناسب) ← ترک و تازی

کنایه ← راه را بستن (کنایه از مقابله و مقاومت کردن و مانع دشمن شدن)

مجاز ← ترک و تازی (مجاز از اقوام مختلف و غیر ایرانی)



◇ بیت ۲۸: از آن، این داستان گفتم امروز بدانی قدر و بر، هیچش نبازی

مجاز ← امروز (مجاز از این دوران، دوران کنونی)



◇ بیت ۲۹: به پاس هر وجب خاکی از این ملک چه بسیار است آن سرها که رفته!

مجاز ← وجب (مجاز از کوچکترین قسمت)

کنایه ← سرها که رفته (کنایه از کشته شدن)

واج آرایی ← تکرار واج «س» در مصراع دوم



◇ بیت ۳۰: ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفته!

کنایه ← افسرها که رفته (کنایه از بین رفتن و کشته شدن شاهان)

مجاز ← خاک (مجاز از ایران)



◇ بیت ۱: به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

کنایه ← دل منه (کنایه از عدم وابستگی) / دجله پس از خلیفه خواهد گذشت در بغداد (کنایه از ادامه داشتن زندگی)
اشتیاق ← می‌گذرد و گذشت (هر دو از مصدر گذشتن هستند) (این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)



◇ بیت ۲: گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

تشبیه ← چو نخل (تو) (مشبه) مانند نخل (مشبه‌به) کریم باش / چو سرو (تو) (مشبه) مانند (سرو) آزاد باش
تشخیص و استعاره ← کریم بودن نخل و آزاد بودن سرو تشخیص است و هر تشخیصی استعاره است)
موازنه ← کلمات در مصراع نظیر به نظیر هماهنگند (گرت - ورت، ز دست - ز دست، برآید - نیاید، چو نخل - چو سرو - باش - باش، کریم - آزاد) (این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)
تکرار ← دست / چو / باش

